

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

پنج شعبان المعظم ۱۴۴۳ مطابق با ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

ميلاد فرخنده زين العابدين، سيد الساجدين (صلوات الله و سلامه عليه)

را به پیشگاه پیامبر اسلام و اهل بیت طاهرينش بويژه ولی عصر و حجت حق امام زمان (سلام الله عليهم اجمعين) و همه دوستداران و ارادتمندان به مکتب رسالت و ولایت تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و پیروی راه آن حضرت را از خدای مَنان مسئلت دارم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ الَّذِي اسْتَخْلَصَتْهُ لِنَفْسِكَ وَ جَعَلْتَ مِنْهُ أَيْمَةً الْهُدَى الَّذِينَ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ اصْطَفَيْتَهُ وَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا مَهْدِيًا اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ دُرِّيهِ أَنْبِيَائِكَ حَتَّى يَبْلُغَ بِهِ مَا تَقَرَّرَ بِهِ عَيْنُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

باز در بحر ولایت گهری پیدا شد ابر، یکسو شد و قرص قمری پیدا شد

گلشن عشق و امید پسر فاطمه را الله‌الله! چه مبارک ثمری پیدا شد

یکصدا خنده‌زنان اهل سماوات و زمین همه گفتند حسین دگری پیدا شد

قال مولانا السَّجَّاد (عليه الصلاة والسلام): « أَلَا وَ إِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ مَنْ يَقْتَدِي بِسُنَّةِ إِمَامٍ وَ لَا يَقْتَدِي بِأَعْمَالِهِ. - هشدار که منفورترین مردم نزد خداوند کسی است که سیره امامی را برگزیند ولی از کارهای او پیروی نکند. » (الكافي، ج ۸، ص ۲۳۴)

موضوع تدبر:

آیا آنطور که مشاهده می‌شود، وقتی در نظام خانواده و سبک زندگی، در اداره جامعه، در روابط اجتماعی و اقتصادی و ... بر مبنای اسلام عمل نمی‌کنیم و تنها بر اسلام و تشیع خود در برخی ظواهر دین اکتفا کرده‌ایم، و عملاً پیرو منش و روش (سیره) ائمه اطهار (ع) نیستیم، نباید خود را مشمول هشدار امام (علیه السلام) بدانیم؟

پاسخ:

پاسخ این است که وقتی می‌توانیم به جواب صحیحی درباره خودمان برسیم که سیره و روش خود را با سیره امام سجاد (ع) علیه السلام (دست‌گیری از درماندگان، پند و اندرز، زنده نگه داشتن خاطره عاشورا، تبیین معارف اسلامی در قالب دعا، برخورد و مبارزه فکری با علمای درباری، نشر احکام و آثار

تربیتی و اخلاقی اسلام، مبارزه با تحریف عقاید و پاسخ به شبهات فکری و اعتقادی، تربیت شاگردان، حمایت از نهضت های ضد ستم و... مقایسه کنیم؛ از کلام نورانی آن حضرت است که فرمود: «الدُّنْيَا سَوْقُ الْآخِرَةِ، وَالنَّفْسُ تَاجِرٌ، وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ رَأْسُ الْمَالِ، وَالْمَكْسَبُ الْجَنَّةُ، وَالْخُسْرَانُ النَّارُ - دنیا، بازار آخرت است و نفس، بازرگان است و شب و روز، سرمایه و سود، بهشت و زیان، دوزخ.» (أعلام الدین: ص ۹۶) بدون تردید رهایی از زرق و برق دنیا و آلوده نشدن به هوای نفس کار بسیار سختی است؛ اما اگر انسان به رهنمودهای اولیای الهی و دستورهای حیات بخش قرآن گوش دل بسپارد و از چارچوب حدود الهی خارج نشود، می تواند امکانات موجود را به وسیله ای برای نیل به کمالات انسانی و فضیلت های اخلاقی مبدل سازد. به عنوان مثال یکی از ویژگی های امام سجاد (علیه السلام) عمل کردن به این کلام درربار خود آن حضرت است «الْخَيْرُ كُلُّهُ قَدْ اجْتَمَعَ فِي قَطْعِ الطَّمَعِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ - تمامی خیر و خوبی در بریدن طمع و چشم نداشتن به آن چیزی است که در دستان مردم جمع شده است» (بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۷۱) در مقابل دستگیری از مستمندان و نیازمندان است. ایشان وقتی در مدینه بودند هر شب انبانی بر دوش می گرفتند و به در خانه آنها می رفتند. نیازمندان، این غریبه مهربان را به نام «صاحب الجراب»؛ یعنی انبان به دوش می شناختند و هر شب در انتظار آمدنش بودند. (زین العابدین حضرت امام سجاد(ع)، ص ۳۷)

ای ملک خداوند تعالی حرم تو ای عالم هستی همه ظرف کرم تو

جان یافته عیسای مسیحا ز دم تو خوبان دو عالم همه خاک قدم تو

از ویژگی های حضرت، خریداری بردگان و آزادسازی آنها به مناسبت های گوناگون، برای نشر حقایق دینی در آن دوره بود. همانگونه که به دیگران سفارش می نمود «سَادَةُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا الْأَسْخِيَاءُ، وَ سَادَةُ النَّاسِ فِي الْآخِرَةِ الْأَتْقِيَاءُ - در این دنیا سرور مردم، سخاوتمندان هستند؛ و در قیامت سیّد و سرور مردم، پرهیزکاران خواهند بود.» (مشكاة الانوار، ص ۲۳۲، س ۲۰) خود عمل می کرد؛ در روایات آمده است: امام زین العابدین(ع) هزار بنده را آزاد کرد (تاریخ تشیع: دوره حضور امامان معصوم(ع)، ص ۱۹۲) و هیچ گاه بنده ای را بیش از یک سال نزد خود نگاه نداشت. (زین العابدین حضرت امام سجاد(ع)، ص ۲۰۲) آن حضرت به بردگانش احکام و اخلاق و مسلمانی می آموخت و ایشان را با زلال آموزه های اهل بیت(ع) آشنا می کرد. این بردگان، پس از آزادی نیز ارتباط خود را با حضرت قطع نمی کردند و همواره به یاد ولی نعمت خود بودند و این ارتباط، سبب جذب افراد بی شماری به دامن پر مهر زین العابدین(ع) می شد و زمینه را برای گسترش علوم و معارف الهی فراهم می آورد.

از ویژگی های حضرت، زنده نگه داشتن حماسه آفرینی های پدر بزرگوارش با اشکهای چشمش بود؛ امام سجاد علیه السلام فرمود: «مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ قَطْرَةٍ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَطْرَةٍ دَمْعَةٍ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ - هیچ قطره ای نزد خداوند محبوبتر از دو قطره نیست: قطره خونی که در راه خدا ریخته شود و قطره اشکی که در سیاهی شب جاری گردد» (خصائل الصدوق، ص ۵۰)

امام، در تمام سال های پس از واقعه عاشورا، هنگامی که در مدینه از جایی می گذشت که قصابان گوسفند ذبح می کردند، می ایستاد و با یادکرد ذبح عظیم عاشورا اشک می افشاند، این در حالی بود که آن

حضرت شخصی ناشناس و ناتوان نبود که در گوشه‌ای بایستد و غریبانه برای خود بگریزد.... بلکه امام و پیشوای شیعیان بود که در مناسبت‌هایی، ذبح عظیم عاشورا را به یادها می‌آورد و اشک می‌ریخت، تصور کنید در میان اجتماعات و در معابر بزرگ، آن هم با مقام اجتماعی و حشمت امامت و عزت تقوا و مناعت اسلام و مهابت ایمان، می‌ایستاد، درحالی‌که نفس‌ها در سینه حبس می‌شد تا ببینند فرزند علی و حسین چه می‌خواهد و چه می‌گوید. آن گاه می‌دیدند که از دیدگان پیشوایشان، اشکی سوزان، بر گونه‌های او جاری می‌شود. در زلال اشکهای او، مردم عاشورا و قتلگاه شهیدان را می‌نگریستند و آنان که نبودند، عظمت فاجعه و ابعاد عظیم حماسه را درک می‌کردند.

این امامی‌ست که همگام امام شهداست پدر حلم و رضا و پسر خون خداست
موج در موج بود لنگر کشتی نجات گام در گام همه شعله مصباح هداست

از جمله فرمایشات هدایت بخش امام زین العابدین درباره عبادت است که: «فَأَمَّا حَقُّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ فَإِنَّكَ تَعْبُدُهُ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِإِخْلَاصٍ جَعَلَ لَكَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ يَحْفَظَ لَكَ مَا تُحِبُّ مِنْهَا - حق بزرگتر خداوند این است که او را بپرستی و چیزی را با او شریک نسازی، که اگر خالصانه چنین کنی، خداوند کار دنیا و آخرت را کفایت می‌کند و آنچه را دوست داری برایت نگه می‌دارد.» (تحف العقول، ص ۲۵۶)

حاج شیخ عباس قمی در منتهی الآمال می‌نویسد: «سبب ملقب شدن آن حضرت به لقب زین العابدین آن است که شبی آن جناب در محراب عبادت به تهجد ایستاده بود. پس شیطان به صورت مار عظیمی ظاهر شد که آن حضرت را از عبادت خود مشغول گرداند. حضرت به او ملتفت نشد. پس آمد و انگشت ابهام پای آن حضرت را دهان گرفت و گزید، به نحوی که آن حضرت را متالم نمود و باز متوجه او نگردید. پس چون فارغ شد از نماز خود، دانست که او شیطان است؛ او را سَبَّ کرد و لطمه زد و فرمود که دور شو ای ملعون و باز متوجه عبادت خود شد. پس شنیده شد صدای هاتفی که سه مرتبه او را ندا کرد: «أَنْتَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ؛ تویی زینت عبادت کنندگان.» پس این لقب ظاهر شد در میان مردم و مشهور گشت.» (شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴)

این خلیلی است که با هر سخنش بت شکند احتیاجش نه به دست است نه بازو نه تبر
اوست آن بنده که چون پای نهد در محراب در نماز شبش از هوش رود مرغ سحر

از ویژگی‌های حضرت سجاد علیه السلام، اهتمام ایشان به نشر دانش ناب اهل بیت (ع) بود و می‌فرمود: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلِبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَ لَوْ يَسْفِكُ الْمُهْجَ وَ خَوْضُ اللَّجَجِ - چنانچه مردم منافع و فضایل تحصیل علوم را می‌دانستند هر آینه آن را تحصیل می‌کردند گرچه با ریخته شدن خون‌ها و یا فرو رفتن زیر آب‌ها در گرداب‌های خطرناک باشد» (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۵)

آن حضرت مسجد رسول خدا (ص) را مدرسه خویش ساخته بود و در موضوع‌های گوناگون فقه، تفسیر، حدیث، فلسفه، کلام، عرفان و اخلاق مباحث علمی و حوزه درسی دایر می‌کرد. در هر روز

جمعه، جلسه سخنرانی عمومی برگزار می کرد و به پند و اندرز مردم، ترغیب به زهد در دنیا و شوق به آخرت و نشر آموزه های دینی می پرداخت. (تاریخ تشیع: دوره حضور امامان معصوم(ع)، ص ۱۸۶) همین روشنگری ها روز به روز، بر شمار دوستان و یاران اهل بیت(ع) می افزود و زمینه را برای فعالیت امام باقر و امام صادق(علیهما السلام) در سال های بعد فراهم می کرد. بر این اساس، بسیاری از دانشمندان و فقیهان آن دوره، شاگردان مکتب علمی و دانشگاه امام زین العابدین(ع) بودند. (حضرت امام سجاد(ع)، ترجمه: کاظم حاتمی طبری، صص ۲۹۴ - ۲۹۶)

از مهم ترین میراث فرهنگی امام زین العابدین(ع)، صحیفه سجادیه است که آن را زبور آل محمد(ص) و انجیل اهل بیت(ع) نیز می خوانند. (سید جعفر شهیدی، زندگانی علی بن الحسین(ع)، ص ۱۸۹) به فرموده آن حضرت «الدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَمَا لَمْ يَنْزِلْ - دعا، بلای نازل شده و نازل نشده را دفع می کند» (الکافی، ج ۲، ص ۴۶۹ ح ۵)

صحیفه سجادیه این مجموعه سترگ، تنها شامل راز و نیاز با خدا و بیان حاجت در پیشگاه باری تعالی نیست، بلکه دریایی بی کران از علوم و معارف اسلامی است که در آن، مسائل عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و پاره ای از قوانین طبیعی و احکام شرعی در قالب دعا مطرح شده است. (سیره پیشوایان: نگرشی بر زندگانی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امام معصوم(ع)، ص ۲۷۰)

از ویژگی های برجسته امام زین العابدین(ع)، تبلیغ اسلام حقیقی در عمل بود. ایشان مظهر عفو الهی شمرده می شد و به سادگی از مردمی که تحت تأثیر تبلیغات امویان از او عیب جویی و بدگویی می کردند، می گذشت و می فرمود: «ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِ: كَفُّ لِسَانِهِ عَنِ النَّاسِ وَاجْتِيَابِهِمْ، وَإِشْغَالُهُ نَفْسَهُ بِمَا يَنْفَعُهُ لِأَخْرَجَتْهُ وَدُنْيَاهُ، وَطُولُ الْبُكَاءِ عَلَى خَطِيئَتِهِ» - سه چیز موجب نجات انسان مومن خواهد بود: نگهداری زبانش از حرف زدن درباره مردم و غیبت آنان، مشغول شدنش به خویشتن با کارهایی که برای آخرت و دنیایش مفید باشد و بسیار گریستن بر اشتباهاتش» (تحف العقول، ص ۲۰۴) این گذشت و بخشش امام، از یک سو دیواری را که بنی امیه می خواست میان امام و مردم به وجود آورد، فرو می ریخت و از دیگر سو، سبب جذب مردم به اهل بیت(ع) می شد و اندک اندک حقانیت آن بزرگواران را ثابت می کرد.

از ویژگی های حضرت، صبر و استقامت در مقابل مشکلات است؛ در فرمایشات آن حضرت آمده است که «الرَّضَا بِمَكْرُوهِ الْقَضَاءِ، مِنْ أَعْلَى دَرَجَاتِ الْيَقِينِ - شادمانی و راضی بودن به سخت ترین مقدرات الهی از عالی ترین مراتب ایمان و یقین خواهد بود» (مستدرک الوسائل: ج ۲، ص ۴۱۳، ح ۱۶)

امام سجاد(ع) درحالی که جان مبارکش از ناحیه دشمنان همیشه در خطر بوده و در نزدیک به ۳۶ سال زندگی، پس از واقعه عاشورا هرگز روز خوشی در دنیا ندیدند و در جو بسیار بدی که خلفای اموی ایجاد کرده بودند، آن حضرت همواره در رنج به سر می بردند،

ای به زنجیر اسارت ملک هستی را امیر حلقه زنجیرها در حلقه عشقت اسیر

ای خدا را شیر ای فرزند شیر کبریا شیری و در حلقه زنجیر هم شیر است شیر

روزی کسی از آن حضرت پرسید ای فرزند رسول خدا، روزگار را چگونه می گذرانی؟ امام سجاد (ع) در پاسخ فرمود: «در حالی شب را به صبح می آوریم که به سبب خویشاوندی با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم در خوف و خطر هستیم و این در حالی است که همه اهل اسلام به برکت اسلام و پیامبر خدا در امانند. هم اینک وضع خوف و اضطراب ما همانند وضع بنی اسرائیل در دوران حاکمیت فرعون است. فرزندان ما را همانند فرزندان بنی اسرائیل بدون جرم و گناه می کشند و آقا و سرور و امام ما را آشکارا بر روی منبرها سب می کنند.» جالب این است که امام زین العابدین (ع) در مسجد شام و در حضور یزید در معرفتی خود، بدون احساس ضعف و با استواری تمام، می فرمایند: «أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا ابْنُ مَكَّةَ وَ مِنِّي أَنَا ابْنُ زَمْزَمَ وَ الصَّافَا. أَنَا ابْنُ مَنْ حَمَلَ الرُّكْنَ بِأَطْرَافِ الرَّدَا. أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مَنِ انْتَزَرَ وَ ارْتَدَى. أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مَنِ انْتَعَلَ وَ اخْتَفَى. أَنَا ابْنُ خَيْرٍ مِّنْ طَافَ وَ سَعَى ... - ... من فرزند مکه و منایم؛ من زاده زمزم و صفایم. من فرزند کسی هستم که خداوند متعال او را در شب معراج از مسجدالحرام به مسجدالاقصى سیر داد. من فرزند محمد مصطفایم؛ من فرزند علی مرتضایم؛ من فرزند فاطمه زهرایم که سرور زنان عالم است؛ من فرزند از بین برنده شرک و نفاق در روی زمینم؛ من فرزند پیشوای مؤمنان و مشعل دار مجاهدان و زینت عبادت کنندگان خدا و پرورش یافته کامل مکتب رب العالمین هستم. من فرزند کسی هستم که با مارقان و ناکثان و قاسطان جنگید و ناصبیان را سرکوب کرد و همیشه چشم و گوش به فرمان خدا و رسول او داشت؛ او که همیشه در دین خدا ثابت قدم بود» (خطبه امام سجاد(ع) در شام)

به این خلق و این خوی و این عزّ و تمکین
پُر از «قدر» و «واللیل» و «والشمس» و «والنّین»
سلام محمّد بر آن خوی شیرین
دعا از نفس های او بسته آذین
به ذکر دعایش خدا گوید آمین

سلام علی آلِ طاهّا و یاسین
رخش مصحف فاطمه، حُسن، قرآن
دروود الهی بر آن خُلق نیکو
نماز از خضوعش به پرواز آید
به سجاده اش آسمان آورد سر

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة